

55 پله تا موفقیت

متن زیر يك متن خلاصه و ساده سازي شده از پله هاي طي شده توسط جان پایپر تا رسیدن به جائي كه اکنون در آن قرار دارد مي باشد كه به نظر من تمامی تریدرها تقریبا همه این پله ها و یا اکثریت آنها را باید طی کنند تا به مرحله اي برسند كه بتوانند خود را تریدر بنامند.

- 1- كنجكاوي ما باعث مي شود تا راجع به بازار مطالعات و تحقیقات اولیه اي را انجام دهيم.
- 2- يك يا دو كتاب و چند گزارش و مجله مي خريم.
- 3- چیزهائي از بازار كه به نظر هم دوست داشتني مي رسند شما را ترغیب به تحقیق مي كند.
- 4- علاقه اي سطحی به بازار و تریدهاي هر از گاهي و عموما از دست دادن پول و گاهي هم موفقیت هاي تصادفي را در این مرحله تجربه مي كنيم.
- 5- عموما شكستهاي خود را فراموش کرده و به موفقیتهاي خود مي باليم و خودمان را تشویق و متقاعد مي كنيم كه اگر این تکنیکها را یاد بگیریم به پایان راه رسیده و موفقیتهاي زیادی بدست خواهیم آورد.
- 6- چارتهای مخصوص به خودمان را كه احيانا بزرگتر از حد معمول هم هستند و چند اندیکاتور هم روی آنها رسم شده براي خود تهیه مي كنيم.
- 7- روشي را براي ورود به بازار تهیه کرده و فكر ميكنيم كه این روش جز موفقیت چاره دیگری ندارد!
- 8- به صورت فعالی معاملات خود را آغاز ميكنيم.
- 9- نتایج بما گوشزد ميکنند كه به همان سادگی كه فكر ميكنيم نیست و چند نکته را بایستی مراعات كرد.
- 10- به تریدهایمان ادامه مي دهيم و نتایج نسبتا (بد) متفاوتي ایجاد مي شوند ولي نه آنچنانكه علاقه مارا از بین ببرند
- 11- همچنان نتایج خوب را انتظار ميکشيم.
- 12- حجم معاملات و مبالغ درگیر در آنها افزایش مي یابند.
- 13- مطالعه و خواندن گزارشات ادامه مي یابند اما اینها جز به تنیدگی بیشتر اوضاع نمی انجامند. هنوز نمیدانیم كه چه باید بخواهیم.
- 14- نمره موفقیت ما بالنسبه خوب است اما كمبود مهارتهای معاملاتی ما منجر به عدم بهره گیری و كسب سود شایسته از بازار مي شود.
- 15- بتدریج ترس از بازار در ذهن ما جاي مي گیرد ولي هنوز اندر خم يك كوچه ایم.
- 16- به همان روال قبل معامله مي كنيمو به تعداد زیاد معامله کرده و از قانون معدل گیری گریزانيم. فقط موضوع مهم زمان است.
- 17- يك سود بزرگ براي خود ثبت کرده و احساس اينكه همه چیز خوب پيش مي رود در ما به اعتماد به نفس زیاد از حد منجر مي شود.
- 18- يك ضرر بزرگ مي كنيم. از نظر رواني مساله شروع به بزرگ شدن مي كند.
- 19- يك كامپیوتر مي خريم و شروع به بررسی اندیکاتورهاي دیگر مي كنيم.
- 20- به دیگر بازارها و روشها نیز سرک مي كشيم.
- 21- بالاخره همه پول خود را از دست مي دهيم.

- 22- واضحا مي فهميم كه به همان سادگي كه مي بينيم نيست.
- 23- به نظر مي رسد كه به اين شيوه نمي توانيم ادامه دهيم.
- 24- در مي يابيم كه اطلاعات كافي براي كسانيكه مي خواهند از اين بازار كسب در آمد كنند كافي نيست (سالهاي 1987 . 1988).
- 25- براي پر كردن اين خلا سعي مي كنيم كه يك سيستم گزارش نويسي ايجاد کرده تا چگونگي اوضاع را به ما بگويد.
- 26- يك آناليسٲ را به همكاري دعوت مي كنيم. توجه داشته باشيد كه اين بدترين كاري است كه شما مي كنيد و بهترين كار آن است كه يك نفر تريدر را به كمك بطلبيد.
- 27- به تريد كردن ادامه مي دهيم اما در سطوح پائينتر.
- 28- گزارش نويس روزانه را آغاز مي كنيم كه يك موفقيت فوري محسوب مي شود.
- 29- تمام اينها نيازمنند تحقيقات و مطالعات و آناليزهاي شخصي زيادي است اما باز هم هنوز بر ما روشن نيست كه تريد كردن يك امر ذهني است و ساير مقولات بيروني (شامل روشها كامپيوترها و كارگزاران و ...) تقريبا همه نامربوط هستند البته تا وقتيكه شما از نظر ذهني آماده نباشيد.
- 30- ترس بر ما مستولي شده و هنوز هم شيوه خاصي نداريم.
- 31- مفاهيم كه تريد منطقي بدون داشتن يك شيوه مناسب نتيجه اي جز ناكامي ندارد.
- 32- بدنبال يك روش مي گرديد.
- 33- روشهاي موجود در بازار به نظرتان مناسب نيشتنند و شروع به طراحي يك روش مخصوص به خود مي كنيد.
- 34- با روش خود شروع به تريد مي كنيم كه البته كاري بس سخت است.
- 35- ما به دلايل قانع كننده اي براي تريدهاي خود نمي رسيم (چيزي كه قبل از داشتن روش نيز به آن دچار بوديم) اما در مي يابيم كه قبل راجع به آن بررسي کرده ايم. جريانات دروني شما بكار مي افتند.
- 36- مفاهيم كه نکته اصلي در تريد كردن همانا ذهن ماست.
- حال مي توانيم پيشرفت واقعي را شروع كنيم
- 37- شروع به تكميل استراتي خود کرده و با يك سايز مناسب تريد ميكنيم.
- 38- اما هنوز هم دچار ترس هستيم و اين به مساله بزرگي تبديل مي شود. قبل ياد گرفتيم كه كاهش ضررها ضروري است و اما بخش دوم (حفظ جريان سود ده) را با وجود ترس نمي توانيم به آن دست پيدا كنيم.
- 39- ما به تريد كردن خود ادامه مي دهيم و به خود اميدواريم كه خوب شود. بتدريج ترس رخت بر مي بندد.
- 40- ما ضربه بزرگ ديگري مي خوريم.
- 41- احساس بد ي پيدا کرده و فكر مي كنيم كه بهتر است تسليم شويم و يا شايد بهتر بود همان مرتبه اول و چند سال پيش كه براي اولين بار كال شديد تسليم مي شديم.
- 42- به تريد خود ادامه داده و سعي مي كنيم كه از اعتماد به نفس زيادي پرهيز كنيم. خودمان را به سيستم مديريت استرس مسلح کرده و به زودي ياد مي گيريم كه مراقبه كنيم(چيزي كه براي هر تريدي

- ضروري است) و در مي باييم كه هميشه متواضع بوده و مانند ظرف خالي باشيم. اگر شما از خودتان پر باشيد جائي براي يادگيري باقي نمي گذاريد.
- 43- يك تريدر ديگر را به عنوان راهنما انتخاب کرده و او نيز يك روش را به شما معرفي مي كند كه بلافاصله مورد پسند شما واقع شده و علت آن هم وضعيت مناسب (ذهني) شماست.
- 44- سيستم خودمان را مي سازيم و آنرا توسعه داده كه منجر به بهتر شدن نتايج و وضعيت ذهني ما مي شود. ديگر ترس مساله مهمي نيست.
- 45- تصميم به ملاقات با يك مربي روانشناس معاملات مي گيريم و وي را در سوئس ملاقات مي كنيم
- 46- سود بزرگي را به دليل اجازه دادن به جريان سود ده در يك معامله به ثبت مي رسانيم. ما همان كاري را مي كنيم كه هر تريدر موفقي انجام مي دهد. آيا دوباره هم اين ترند را مي توانيم بكار ببنديم؟
- 47- شروع به دور شدن از ترس و رسيدن به مرحله ريسك محوري مي كنيم.
- 48- مي فهميم كه وضعيت ذهني همه چيز است و آرامش داشتن امري حياتي است و باز هم سايز پوزيشن هاي خود را كم مي كنيم.
- 49- چند روزي را با گروه معاملاتي مربي روانشناس خود در آمريكا بسر مي بريم.
- 50- شروع به سود كردن با روش پايدار مي كنيم.
- 51- باز كمی به خودمان غره مي شويم! اما اين بارمي فهميم كه اشتباه کرده و با ضرر كمی آنرا محدود مي كنيم و باز به خودمان يادآوري مي كنيم كه متواضع بمانيم.
- 52- بعضا به صورت ناخودآگاه تريد مي كنيم. در اين كار داريم حرفه اي مي شويم.
- 53- مي دانيم كه چالشهاي زيادي پيش رو داريم اما با اعتماد به نفس آنها را رفع مي كنيم.
- 54- متوقف كردن پول يك مساله مي شود. حقيقتا ما در يك دنياي پر از فراواني زندگي مي كنيم.
- 55- در مي باييم كه زندگي ما بواسطه تريد كردن بهتر شده و در بسياري از زمينه هاي زندگي به خواسته هايمان مي رسيم.